

## **Political Challenges of Islamic Resistance in International Arena and Qur'anic Solutions to Deal with Them**

**Morteza Gharasban<sup>1</sup>**

**Mohammad Hassan Mahdipour<sup>2</sup>**

Received: 16/09/2023

Accepted: 09/12/2023



### **Abstract**

Resistance is one of the important concepts in Islamic culture, relying on which Muslims can stop the enemy from achieving their goals. Undoubtedly, the enemy creates challenges against the Islamic resistance to prevent the resisting Muslims from achieving their goals. These challenges can be divided into various aspects, of which political challenges are of the most important. Political challenges may arise in both national and international arenas. This study seeks to explain the political challenges of Islamic resistance in the international arena. Since the Holy Qur'an has provided a solution for resistance by emphasizing the Islamic resistance against the enemy, in this research, the Qur'anic solutions to deal with these challenges are also explained. By examining and analyzing the actions of the enemy, the most important international challenges are the fronting of the enemy, isolation, weakening, and finally the dominance of the colonists. To cope with these challenges, several solutions are used from the Holy Qur'an, such as foreign relations, self-respect, internal empowerment, and finally, independence and anti-dominance. The type of information collection in this research is library-based and it has answered the research question via a descriptive-analytical method.

### **Keywords**

Resistance, challenge, politics, Islamic resistance, political challenge, Qur'anic solutions.

---

1. Level Three of Qom Seminary and a PhD student in Islamic Revolution Studies Teaching Training, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran (Corresponding author). m.gharasban@isca.ac.ir

2. Ph. D. in Islamic Studies, Department of Ethics, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran. mohammadhasan4359@gmail.com.

---

\* Gharasban, M., & Mahdipour, M. H. (1402 AP). Political challenges of Islamic resistance in international arena and Quranic solutions to deal with it. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(15), pp. 42-68. DOI: 10.22081/JQSS.2023.67377.1264

## التحديات السياسية الخارجية التي تواجه جبهة المقاومة الإسلامية والحلول القرآنية للتعامل معها

مرتضى غرسبان<sup>١</sup> محمدحسن مهدي بور<sup>٢</sup>

تاريخ القبول: ٢٠٢٣/١٢/٠٩

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٣/٠٩/١٦

### الملخص

أحد المفاهيم المهمة في الثقافة الإسلامية هو "المقاومة" التي لا يستطيع المسلمون منع العدو من تحقيق أهدافه إلا بالاعتماد على المقاومة. ولا شك أن العدو يخلق تحديات ضد المقاومة الإسلامية لمنع المسلمين المقاومين من تحقيق أهدافهم. ويمكن تقسيم هذه التحديات إلى أبعاد مختلفة، تعتبر التحديات السياسية من أهمها. يمكن تحقيق التحديات السياسية على الساحة الداخلية والخارجية، وتسعى هذه الدراسة إلى توضيح التحديات السياسية للمقاومة الإسلامية على الساحة الخارجية. وبما أن القرآن الكريم قد عبر عن حل المقاومة من خلال تأكيده على المقاومة الإسلامية ضد العدو، فقد تم في هذه الدراسة أيضاً بيان الحلول القرآنية لمواجهة هذه التحديات. ومن خلال دراسة وتحليل أنشطة العدو، فإن أهم التحديات الخارجية التي يواجهها العدو ضدنا هي تشكيل الجبهة، والعزلة، والإضعاف، وأخيراً سيطرة المستعمرين. ولمواجهة هذه التحديات، استخرج من القرآن الكريم عدة حلول مثل العلاقات الخارجية، والاحترام، والتعزيز الداخلي، وأخيراً الاستقلال ومكافحة الهيمنة. وقد تم جمع المعلومات في هذا البحث بالمنهج المكتبي، كما تم استخدام المنهج الوصفي التحليلي للإجابة على سؤال الدراسة.

### المفردات المفتاحية

المقاومة، التحدي، السياسة، المقاومة الإسلامية، التحدي السياسي، الحلول القرآنية.

١. خريج المستوى الثالث من الحوزة العلمية بقم وطالب الدكتوراه في مدرسة تعليم الثورة الإسلامية، جامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران (الكاتب المسئول).  
m.gharasban@isca.ac.ir

٢. الدكتوراه في مدرس الدراسات الإسلامية، فرع الأخلاق، كلية اللاهوت والأديان، جامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران.  
mohammadhasan4359@gmail.com

\* غرسبان، مرتضى، مهدي بور، محمدحسن. (٢٠٢٣م). التحديات السياسية الخارجية التي تواجه جبهة المقاومة الإسلامية والحلول القرآنية للتعامل معها. الفصلية العلمية الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٥)، صص ٤٢-٦٨.

DOI: 10.22081/JQSS.2023.67377.1264

## چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی و راه‌حل‌های قرآنی مقابله با آن

مرتضی غرسبان<sup>۱</sup>      محمدحسن مهدی‌پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

### چکیده

«مقاومت» یکی از مفاهیم مهم در فرهنگ اسلامی است که مسلمانان با تکیه بر آن می‌توانند دشمن را از رسیدن به اهداف خود بازدارند. بی‌تردید دشمن در برابر مقاومت اسلامی، چالش‌هایی ایجاد می‌کند تا مانع دستیابی مسلمانان مقاومت‌گر به اهداف خود باشند. این چالش‌ها را در ابعاد گوناگونی می‌توان تقسیم‌بندی است که چالش‌ها سیاسی، از مهم‌ترین آنها است. چالش‌های سیاسی در دو عرصه داخلی و خارجی ممکن است ایجاد شود. این تحقیق در پی تبیین چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی است. از آنجا که قرآن کریم با تأکید بر مقاومت اسلامی در برابر دشمن، به ارائه راهکار مقاومت پرداخته است، در این تحقیق، راه‌حل‌های قرآنی مقابله با این چالش‌ها نیز تبیین می‌گردد. با بررسی و تحلیل اقدامات دشمن، مهم‌ترین چالش‌های خارجی، جبهه‌سازی دشمن، انزواء، تضعیف، و در نهایت تسلط استعمارگران است. از قرآن کریم برای مقابله با این چالش‌ها، راهکارهای متعددی نظیر روابط خارجی، عزت‌طلبی، تقویت درونی، و در نهایت استقلال و سلطه‌ستیزی استفاده می‌شود. نوع گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و با روش توصیفی-تحلیلی به پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش پرداخته است.

### کلیدواژه‌ها

مقاومت، چالش، سیاست، مقاومت اسلامی، چالش سیاسی، راه‌حل‌های قرآنی.

۱. دانش‌آموخته، سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران. ایران (نویسنده مسئول).  
m.gharasban@isca.ac.ir

۲. دانش‌آموخته، دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق، دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، تهران. ایران.  
mohammadhasan4359@gmail.com

\* غرسبان، مرتضی؛ مهدی‌پور، محمدحسن. (۱۴۰۲). چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی و راه‌حل‌های قرآنی مقابله با آن. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، (۱۵)۵، صص ۴۲-۶۸.

DOI: 10.22081/JQSS.2023.67377.1264



## مقدمه

مقاومت، واژه‌ای کلیدی و اساسی در فرهنگ و معارف اسلامی می‌باشد و براساس آیات قرآن، مسلمانان با تکیه بر آن به اهداف اسلامی خود دست می‌یابند. کاربست فرهنگ مقاومت، از صدر اسلام تا کنون در سیره پیامبر ﷺ و ائمه اطهار وجود داشته و در دوران معاصر نیز عالمان مسلمان اصلاح‌گر اجتماعی با بهره‌گیری از آن، در پی تحقق نظام اسلامی بوده‌اند. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه برای اولین مرتبه مفهوم مقاومت را در اذهان مردم از یک مفهوم سلبی و انفعالی، به یک مفهوم ایجابی تغییر داد و توانست با نهادهای سازنده فرهنگ مقاومت در میان مردم، انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند.

امروزه، نظام جمهوری اسلامی ایران تنها نظامی در جهان است که در برابر استکبار ایستاده و از کیان امت اسلامی محافظت می‌کند، و در این مسیر، نیازمند مقاومت، در داخل و در سطح منطقه است تا در مقابل دشمنانی که در پی براندازی نظام هستند پیروز شود. با توجه به نقشه‌های شوم دشمن برای نظام اسلامی، مقاومت در دوران تثبیت و تداوم انقلاب و نظام اسلامی، ضرورت بیشتری دارد. به طور یقین دشمن در مقابل مقاومت اسلامی، چالش‌هایی ایجاد می‌کند تا مانع دستیابی نظام اسلامی به اهداف خود گردد. این چالش‌ها را در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، اخلاقی و ... می‌توان تقسیم‌بندی است که چالش‌های سیاسی، از مهم‌ترین آنها می‌باشد؛ همچنین چالش‌ها در دو عرصه داخلی و خارجی ممکن است ایجاد شود. این تحقیق در پی تبیین چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی است. از آنجاکه قرآن کریم با تأکید بر مقاومت اسلامی در برابر دشمن، به ارائه راهکار مقاومت پرداخته است، راه‌حل‌های قرآنی مقابله با این چالش‌ها نیز تبیین می‌گردد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین است: چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی چیست و راه‌حل‌های قرآنی مقابله با آنها کدام است؟

بر این اساس در این پژوهش، پس از مفهوم‌شناسی مفاهیم مرتبط و بیان جایگاه مقاومت از دیدگاه اسلام، به بیان چالش‌های سیاسی در برابر مقاومت در عرصه خارجی

پرداخته و در بخش نهایی به بیان راه کارهای مقابله با آنها به صورت اجمالی اشاره می‌گردد. نوع گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و با روش توصیفی - تحلیلی به پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش پرداخته است.

## ۱. چارچوب مفهومی

بر اساس آیات قرآن، وسوسه‌های شیطانی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده انسان و جامعه از رسیدن به اهداف خود می‌باشد. شیطان در مسیر گمراه‌ساختن انسان، از سیاست «گام به گام» استفاده می‌کند که قرآن از آن به «خطوات الشیطان» تعبیر می‌کند و چهار مرتبه در سوره‌های مکی و مدنی از آن نهی کرده است: «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» (انعام، ۱۴۲؛ بقره، ۱۴۶، ۲۰۸؛ نور، ۲۱). آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید: «سیاست شیطان، گرچه نسبت به برخی اختطاف و ربودن سریع است؛ ولی غالباً نسبت به توده مردم سیاست گام به گام است. او آهسته و پیوسته می‌آید و وسوسه می‌کند تا گوهر تابناک ایمان مؤمن را برباید و او را بی‌آبرو و در نهایت کافر و گمراه و بی‌حیثیت کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۵). بر این اساس، بدیهی است که خطر انحراف تدریجی افراد بسیار بیشتر و اضلال و گمراهی ناشی از آن، تأثیرگذارتر خواهد بود؛ چراکه تغییرات منفی و سیر آهسته به سوی انحطاط، کمتر به چشم آمده و مسلماً مقابله با آن نیز به دقت و دوراندیشی بیشتری نیازمند است. خطوات شیطان، دعوت‌هایی از سوی شیطان است که با عنوان دین انجام می‌شود و بدعت و احکام خودساخته را با خود به همراه دارد و انسان‌هایی که از خطوات شیطان پیروی می‌کنند، با تصور اینکه در مسیر الهی گام برمی‌دارند، مرحله به مرحله به سمت جهالت و گمراهی پیش می‌روند. شیطان در طول تاریخ با همین ابزار توانسته است بسیاری از بدعت‌ها، تفرقه و اختلاف‌ها را در میان طرفداران حق ایجاد کند.

دشمنان اسلام نیز برای رسیدن به اهداف شوم خود از این روش استفاده حداکثری می‌کنند. این تاکتیک دشمن به اندازه‌ای در فروپاشی یک ملت و حکومت خطرناک است که امامین انقلاب به دفعات درباره خطر آن هشدار داده‌اند. دشمن با نفوذ در

عرصه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به مرور نیروهایی را در داخل پرورش می‌دهد که همان حرف‌های او را می‌زنند. در عرصه بین‌المللی نیز می‌توان ظهور اسلام آمریکایی را یکی از خروجی‌های اعمال این روش در جوامع اسلامی دانست که به مرور و با رنگ دینی به واسطه اعمال آمریکا انجام می‌گیرد.

بر این اساس دشمن با سیاست گام به گام برای جبهه مقاومت موانع و چالش‌های گوناگونی را در مسیر مقاومت ایجاد می‌کند. این سیاست دشمن در موضوع این تحقیق که «چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی» بوده، به‌طور کامل مشهود است. دشمن در مسیر رسیدن به اهداف خود، این مراحل را تا رسیدن به هدف نهایی خود، که تسلط بر همه کشورهای اسلامی است، دنبال می‌کند.

## ۲. مفهوم‌شناسی مقاومت

کلمه مقاومت از کلمه عربی «قوم» به معنای ایستادن و راست ایستادن گرفته شده است. قیام و قعود به معنای ایستادن و نشستن از حالات متضاد است. در اصطلاح فرهنگ قرآنی، مقاومت به حالتی گفته می‌شود که شخص برای انجام کارها و تحقق اموری، اقداماتی را انجام می‌دهد که شامل ایجاد مقتضی و از میان بردن مانع و ایستادگی در برابر فشارهاست. علت اینکه چنین حالتی را مقاومت یا استقامت می‌گویند، شباهتی است که میان عمل ایستادن و حالت ایستادگی و مقاومت وجود دارد؛ زیرا وقتی انسانی بخواهد به بهترین وجه، کاری را انجام دهد و یا بخواهد از خود در برابر دیگری دفاع نماید و یا حرکتی داشته باشد، به پا می‌خیزد و می‌ایستد؛ بنابراین می‌توان گفت استقامت، مقاومت و ایستادگی در معنای اصطلاحی آن، استمرار و پایداری بر مطالب، مقاصد، اصول، موضع‌گیری‌ها و مانند آن است، بی‌آنکه از راه راست منحرف شده و به کژی گراید و از مطالب و مقاصد خود دست بردارد و از مواضع اصولی خود کوتاه آید، بلکه همه تلاش خود را انجام می‌دهد تا مقتضی را تحقق بخشیده و از موانع بگذرد و یا در برابر فشارها مقاومت نماید و عقب‌نشینی نکند (رک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۲).

مقاومت به معنای اصطلاحی خود، براساس شرایط و اقتضائات مختلف، از

مؤلفه‌هایی برخوردار است. در بررسی عملکرد جمهوری اسلامی ایران و چگونگی مواجهه دشمن با نظام و انقلاب اسلامی، می‌توان فرهنگ مقاومت ایران را در مؤلفه‌هایی مانند استکبارستیزی، روحیه جهادی، تأکید بر هویت دینی و انقلابی، و مردم‌سالاری دینی تبیین کرد. اگر به تقابل استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته نظر بیفکنیم درمی‌یابیم که در دهه اول تقابل در حوزه نظامی است و سراسر این دهه جنگ، کودتا و ترور بود. اما از ابتدای دهه دوم، بحث فراگیر عمومی در جامعه ایرانی مسئله «تهاجم فرهنگی» شد. استکبار در دهه سوم در راستای هجمه فرهنگی به فکر مهار انقلاب اسلامی در سطح جهان افتاد (والیزاده، ۱۳۸۸).

### ۳. اهمیت و جایگاه مقاومت

یکی از لوازم انقلابی‌ماندن، مقاومت، ایستادگی و پایداری یک فرد انقلابی در راه رسیدن به اهداف متعالی خود است که خداوند این توصیه را به پیامبر خود به‌عنوان مصداق بارز فرد انقلابی داشته و می‌فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاشْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ؛ پس مردم را به دین حق دعوت کن و چنانچه فرمانت داده‌اند، استوار باش» (شورا، ۱۵). یا در جای دیگر می‌فرماید: «فَاشْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ؛ پس چنانچه فرمانت داده‌اند، استوار باش و کسانی که با تو توبه کردند نیز استوار باشند» (هود، ۱۱۲).

بی‌شک انسان انقلابی با سختی‌ها و آزار و اذیت در مسیر خود همراه است؛ از این رو ثبات قدم و صبر در مسیر انقلابی خود، امری ضروری است. خداوند خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلٰى مَا كَذَّبُوا وَأُوذُوا؛ پیامبرانی که پیش از تو بودند، تکذیب شدند؛ پس بر این تکذیب، شکیبایی نمودند و آزار دیدند» (انعام، ۳۴).

رهبر معظم انقلاب نیز در این خصوص خطاب به مردم انقلابی می‌فرماید: «جوان‌های امروز ما، جوان‌های نسل معاصر ما و جوان‌هایی که در آینده خواهند آمد، بدانند راه انقلاب، راهی است که احتیاج دارد به عزم، به ایمان، به ثبات قدم در راه انقلاب، اگر ثبات قدم وجود نداشت، اگر پیوستگی حرکت وجود نداشت،

انسان رابطه‌اش با انقلاب قطع می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

هر انسانی در دو شکل فردی و اجتماعی می‌بایست به اصل مقاومت و استقامت توجه کند و این بدین معناست که هم باید خود را بسازد و در برابر موانع و فشارهای هواهای نفسانی درونی و وسوسه‌های شیطانی بیرونی مبارزه و مقاومت کند و هم به دیگران یاری رساند تا مقاومت پیشه کنند. خداوند می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَى؛ بگو من فقط به شما یک‌اندرز می‌دهم که دو به دو یا به تنهایی برای خدا قیام کنید و به پا خیزید» (سبا، ۴۶).

#### ۴. چالش‌های پیش‌روی مقاومت

##### ۴-۱. تعریف چالش

بیشتر «چالش» را معادل Challenge تلقی می‌کنند؛ حال آنکه تأملی در کاربرد این کلمه در متون و محاورات، نشان می‌دهد معانی متفاوت و گوناگونی از این لفظ مورد نظر بوده که با معنای Challenge انطباق کامل ندارند. Challenge به «وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار که مواجهه با آن تلاشی سخت و تعیین‌کننده را ایجاد می‌شود و در حالت مصدري، به معنای «زیر سؤال کشیدن و ایجاد تردید در امری است از جنبهی حقیقت، ارزش یا قدرت و توان آن».

فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی، واژه Challenge را «به‌مبارزه طلبیدن» و «به‌چالش خواستن» ترجمه کرده و Challenger را به «حریف» معنا کرده است (باطنی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۷).

تأمل در کاربرد واژه چالش در متون مختلف، نشان می‌دهد که معانی مختلفی از واژه مذکور برداشت می‌شود که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: تعارض، جدال و تهافت (آرمین و رازقی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۷)؛ مانع و مشکل (مجموعه مقالات تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۷، صص ۴۸۳ و ۴۸۸)؛ آسیب و آفت (مجموعه مقالات مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، ۱۳۸۰، ج ۲).

برخی چالش را مترادف آسیب و بحران به کار برده‌اند (فراتی، ۱۳۸۱، ص ۵). برخی



دیگر، چالش را به معنای تعارض، اختلاف و تنش و شاید به طور ضمنی به معنای مبارزطلبی به کار گرفته‌اند (معادی، ۱۳۸۱، ص ۳۶۲).

در مجموع و با استفاده از معنای لغوی «چالش» و Challenge و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این کلمه در ادبیات اجتماعی امروز، می‌توان برای چالش این تعریف را ارائه داد: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد». طبق این تعریف، خصوصیات «چالش»، عبارتند از: عینی بودن؛ جدید بودن وضعیت؛ ناظر به آینده؛ بیرونی بودن غیرارادی بودن آن؛ اقتضای تلاشی سخت و تعیین کننده که ناشی از فراگیر بودن و به مبارزه طلبیدن کل جامعه است (ذوعلم، ۱۳۸۴).

#### ۲-۴. انواع چالش

با توجه به تعریف «چالش»، انواع گوناگونی از حیث جغرافیا و گستردگی برای آن قابل تصور است؛ برای نمونه از حیث جغرافیایی، می‌توان چالش را به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم کرد. برخی از این حیث، چالش‌ها را به سه گروه بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی تقسیم کرده‌اند. از حیث گستردگی نیز «چالش»، در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... قابل ظهور است و به عرصه خاصی محدود نمی‌شود؛ ولی در این پژوهش، تنها به تبیین چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی می‌پردازیم؛ همچنین چالش‌ها در دو عرصه داخلی و خارجی قابل ایجاد است. که این پژوهش در پی تبیین چالش‌های سیاسی مقاومت اسلامی در عرصه خارجی است.

#### ۵. چالش‌های سیاسی مقاومت در عرصه خارجی

چالش پیش‌رو مقاومت در عرصه سیاسی، از جهات گوناگون قابل تقسیم‌بندی است. اینکه چالش‌هایی را که دشمن در برابر جریان مقاومت ایجاد می‌کند، به چالش‌های درونی و بیرونی دسته‌بندی می‌گردد. از آنجا که برخی چالش‌ها، ناظر به درون نظام بوده و می‌تواند به تغییرات داخلی در رویکرد مقاومت منجر شود، این چالش‌ها، درونی

است. و با توجه به اینکه برخی چالش‌ها، درباره فضای بیرونی طرح شده و وضعیت نظام در عرصه منطقه و جهان را به مخاطره می‌اندازد، این چالش‌ها، بیرونی است. با توجه به موضوع پژوهش، در ادامه به تبیین چالش‌های بیرونی می‌پردازیم.

## ۵-۱. جبهه‌سازی دشمن

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی پیش‌روی محور مقاومت در عرصه بیرونی، جبهه‌سازی دشمن در جهت مقابله با محور مقاومت است، که در این امر، از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از این روش‌ها، همگام‌سازی دیگر کشورها در جهت مقابله با جبهه مقاومت و ایجاد اجماع جهانی علیه آنهاست که با تحقق این هدف، انزوای جریان مقاومت که چالش دیگر در عرصه سیاسی است، پدید می‌آید. دولت آمریکا، به‌ویژه در دوران اوباما، اثرگذارترین تیم دولتی علیه ایران اسلامی به‌عنوان محور مقاومت بود که توانست در داخل، فتنه ۸۸ را ایجاد و راهبری کند، و سپس اجماع جهانی علیه ایران ایجاد نماید.

دشمن در این مسیر، با بسیج جریان‌ها سلطه در حوزه‌های گوناگون، در قالب مبارزه با تروریسم برای به تسلیم کشاندن محور مقاومت، در پی ضربه‌زدن به این جریان است. دشمن در این عرصه، درصدد ایجاد بحران و به کارگیری انرژی و توان مقاومت برای مهار و کنترل تروریسم می‌باشد، که نتیجه آن محدودشدن منابع محور مقاومت است.

از روش‌های دیگر دشمن در این مسیر، ایجاد جریان‌های بدلی و رقیب، به اسم جریان‌های اسلامی است تا از این طریق نیز، جریان مقاومت را به جای حرکت در مسیر اهداف متعالی خود، به مقابله با این جریان‌ها مشغول نماید؛ برای نمونه، تقابل جریان مقاومت در سوریه و لبنان با داعش یا تقابل میان گروه‌های جهادی با داعش یا تقابل میان القاعده با جریان‌های اسلامی در کشورهای نظیر یمن، از مهم‌ترین مصادیق این شیوه دشمن به شمار می‌رود. وجود این جریان‌های بدلی، جبهه مقاومت را ضعیف کرده و به آن لطمه می‌زند.

امروزه آمریکا با استفاده از ابزار رسانه، دشمنان خود را انسان‌هایی خطرناک برای جامعه بشری معرفی می‌کند و با همین ابزار، اقدامات خشونت‌باری را علیه مخالفانش انجام می‌دهد. برای نمونه، آمریکا و برخی کشورهای غربی همواره با رویکرد تخاصمی مسائل مرتبط با ایران را انعکاس می‌دهند، به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران در نظر مخاطب، تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه و جهان شناخته می‌شود. ایران‌هراسی، دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، حمایت ایران از تروریسم، نقض حقوق بشر در ایران، القاء تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران، القاء مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه‌ای، بخشی از مطالبی است که آمریکا در رسانه‌های خود برای اینکه تقابل خود با ایران را برای جامعه جهانی توجیه کنند و آنها را با خود در مقابله با ایران همراه کنند، تبلیغ می‌کند.

## ۵-۲. انزوا

چالش سیاسی دیگری که در برابر محور مقاومت قرار می‌گیرد، انزوای این جریان در سطح منطقه و جهان است که عملاً محصول جبهه‌سازی دشمن در برابر این جریان، به شمار می‌رود. دشمن در جهت انزوای محور مقاومت، از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. مهم‌ترین آنها عبارتند از: ارائه تصویر تهدیدگونه از محور مقاومت به‌عنوان بزرگترین تهدید منطقه و همچنین افزایش بی‌ثباتی در منطقه در راستای ارائه تصویر خشن از نتیجه مقاومت.

از مهم‌ترین اهدافی که غرب، به‌ویژه آمریکا با کمک رسانه‌های در اختیار خود در پی اجرای آن می‌باشد، تصویرسازی و انگاره‌سازی براساس منافع خود در اذهان ملت‌ها است. آمریکا با همین ابزار، بسیاری از اقدامات خلاف عقل و قانون و عرف خویش را در جامعه جهانی موجه جلوه می‌دهد. آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر با تصویرسازی و انگاره‌سازی علیه مسلمانان، آشکارا شروع یک جنگ صلیبی دیگر علیه مسلمانان را موجه جلوه داد و با همین حربه به دو کشور عراق و افغانستان حمله کرد. دشمن در حال حاضر درباره ایران تلاش می‌کند تصویر و انگاره منفی در جامعه جهانی ایجاد کند تا از

این روش بتواند ایران را در سطح منطقه و جهان منزوی سازد.

مهم‌ترین مواردی که به نظر می‌رسد دشمنان ایران در پی اجرای آن علیه مقاومت اسلامی هستند، عبارتند از: انگاره و تصویر اینکه ایران یک کشور با حکومت مستبد و جنگ‌طلب و غیرمتمدن است و اینکه ایران یک کشور توسعه‌طلب بوده و به همین خاطر به دنبال ساخت بمب اتم می‌باشد. دشمن تلاش می‌کند با ایجاد این انگاره‌ها و امثال آن، جهان را برای رویارویی با ایران در سطوح گوناگون آماده کند.

### ۳-۵. تضعیف

تضعیف محور مقاومت و روند آن از دیگر چالش‌های سیاسی است که دشمن در برابر آن ایجاد می‌کند. دشمنان مقاومت با طرح موضوعاتی همچون سازش و غیره در صدد تضعیف روند روبه‌رشد مقاومت و کاهش تهدیدات علیه جبهه مقابل می‌باشند. این تضعیف، به مرور زمان منجر به شکست محور مقاومت و در نتیجه تسلط استعمارگران بر این کشورها می‌گردد.

برخی از روش‌هایی که دشمن برای تضعیف مقاومت از آن بهره می‌برد، عبارتند از: ایجاد محدودیت در مسیر محور مقاومت با ایجاد موانع سیاسی و حقوقی جدید و مقابله با نظام سیاسی مبتنی بر دین (نظام ولایی) به منظور ضربه‌زدن به ستون اصلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی.

### ۴-۵. تسلط استعمارگران

چالش سیاسی نهایی که دشمن در برابر جبهه مقاومت ایجاد می‌کند، شکست این جبهه و تسلط استعمارگران است. این چالش به عنوان نتیجه نهایی چالش‌هایی است که دشمنان مقاومت در برابر این جریان ایجاد می‌کنند تا با شکست نهایی این جریان و تسلط استعماری خود، ضمن پایان‌بخشیدن به عمر جبهه مقاومت، بر منافع این کشورها سلطه یابند و مردم این کشورها را به بردگی و نظام را به تباهی و فساد بکشانند.

## ۶. راهکارهای قرآنی مقابله با چالش‌های سیاسی

یکی از امور لازم برای رسیدن به مقاومت از منظر منابع اسلامی، مانع‌زدایی است. مسلمانان باید تلاش کنند برای رسیدن مقاومت به نتیجه مطلوب، چالش‌ها و موانعی که بر سر راه محور مقاومت قرار دارد، از میان بردارد؛ چرا که یکی از مهم‌ترین اقدامات در جریان مقاومت، رصد اقدامات دشمن علیه مقاومت و ارائه راهکارهای مقابله با آن می‌باشد (آجرلو، ۱۳۹۸). در این بخش با استفاده از آیات قرآن، به تبیین راهکارهای مقابله با چالش‌های سیاسی خارجی می‌پردازیم. قرآن کریم، راهکارهای متعددی را برای مقابله با موانع و چالش‌ها مطرح می‌سازد که در این بخش تلاش شده به‌اختصار، به بررسی راهکارهای متناظر با چالش‌های سیاسی بیرونی پرداخته شود.

### ۱-۶. تقویت روابط خارجی جبهه مقاومت

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جبهه‌سازی دشمن علیه جریان مقاومت، تقویت روابط خارجی جبهه مقاومت است که در قرآن ضمن سطح‌بندی این روابط، بر آن تأکید گردیده است. این روابط خارجی در سه بخش، قابل طرح و ارائه است: رابطه با ملت‌های مسلمان، رابطه با ملت‌های توحیدی و رابطه با ملت‌های غیرموحد. در ادامه به آنها اشاره می‌گردد. شاخصه مرزبندی با دشمن عملاً در میحث روابط خارجی نمود پیدا می‌کند و تبیین می‌گردد.

در رابطه با ملت‌های مسلمان، تأکید بر مشترکات دینی بین امت‌های مسلمان و مقاوم، از جمله مکتب منسجم اسلام، راهکار اساسی است. مکتبی که داعیه برقراری روابط خارجی را دارد، در درون خود باید انسجام داشته باشد. در این راستا، قرآن کریم، هم مکتب اسلام را منسجم می‌داند و هم پیروان این مکتب را. قرآن کریم در تأکید بر اصل مکتب اسلام می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند؟ و اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند» (نساء، ۸۲).

وقتی به قرآن می‌نگریم، می‌بینیم که تمام بخش‌های این کتاب یکسان و یک دست است؛ یعنی آیاتی که در آغاز نازل شده، در اوج معرفت و فصاحت است و آیاتی هم که در اواخر بعثت نازل شده، در اوج معرفت و فصاحت است. از آنجا که مکتب اسلام، منسجم است و شخصیت رهبر این مکتب نیز از لحاظ درونی منسجم است، تک‌تک مسلمین نیز منسجم بوده و بین آنها روابط حسنه برقرار است.

در رابطه با ملت‌های توحیدی پیرو مقاومت، تأکید بر اصول مشترک، مهم‌ترین راهکار محسوب می‌گردد. پیامبر ﷺ وقتی توانست مکتب خود را منسجم کرده، رهبری خود را به صورت منسجم ارائه کند، روابط بین مسلمانان را تنظیم کرد و پس از آن، نوبت به تنظیم روابط حسنه بین مسلمانان و دیگران رسید. در این رابطه خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آذِينَ لِبَعْضٍ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند، بگویند: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم» (آل عمران، ۶۴). خداوند از پیامبر می‌خواهد مسیحیان را دعوت کند و به آنها بگوید که بیاید اصول مشترک را به عنوان روابط بین اسلام و مسیحیت، محور عمل قرار دهیم؛ اصولی مانند: پرستش خدای یکتا، برای او شریک‌نگرفتن، الفاکردن رژیم ارباب و رعیتی و در پی برتری جویی نبودن.

قرآن کریم پس از بیان سیره انبیا ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون؛ این طریقه شما آیین یگانه (و پاک اسلام) است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید» (انبیاء، ۹۲). یعنی نه تنها مسلمانان امت واحدند، بلکه مسلمانان، مسیحیان، کلیمیان و همه پیروان انبیای الهی یک امتند؛ زیرا اعتقاد به یک مرجع و معاد دارند و معتقد به اصل رسالتند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۲۱). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره داستان حمله نیروهای وابسته به معاویه به شهر انبار می‌فرماید: «اینک، فرمانده معاویه، مرد غامدی، با لشکرش وارد شهر انبار شده و

فرماندار من، «حسان بن حسان بکری» را کشته و سربازان شما را از مواضع مرزی بیرون رانده است. به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده وارد شده، و خلخال و دستبند و گردن بند و گوشواره‌های آنها را به غارت برده، درحالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشته‌اند. لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند، بی آنکه حتی یک نفر آنان زخمی بردارد و یا قطره خونی از او ریخته شود، اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسّف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).

در رابطه با ملت‌های غیرموحد، تأکید بر روابط مسالمت‌آمیز، همراه با قسط و عدل، راهکار اساسی محسوب می‌شود. قرآن کریم پس از تبیین رابط میان مسلمانان با مسلمانان و غیرمسلمانانی که موحدند، چگونگی رابطه بین مسلمانان و دیگر افرادی که پیرو هیچ‌یک از مکاتب الهی نبوده، اما طرفدار مقاومت هستند را این‌گونه تبیین می‌نماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد» (ممتحنه، ۸).

مشرکان و کافران دو گروه بودند. عده‌ای اهل توطئه بوده و تلاش می‌کردند مسلمانان را بکشند، یا تبعیدشان کنند، یا زندانی کنند و یا اموالشان را مصادره و غارت کنند و گروه دیگر، رفتار مسالمت‌آمیز با مسلمانان داشتند. با کافران از گروه دوم، نه تنها نباید جنگید، بلکه اگر مورد لطف مسلمانان قرار بگیرند، نه تنها بد نیست، بلکه کاری پسندیده و محبوب خداوند است. خداوند نمی‌فرماید با کافران زندگی مسالمت‌آمیز نداشته باشید و یا درباره آنها قسط و عدل را اعمال نکنید، بلکه می‌فرماید: «ستم‌پذیر نباشید». اگر گروهی به شما ستم نکردند، اگرچه مسلمان نیستند، شما نیز زندگی مسالمت‌آمیز همراه با قسط و عدل با آنها داشته باشید. نشانه اینکه کافر از امنیت اسلامی برخوردار است، دستور خداوند به رسول خدا ﷺ است: «وَ إِنْ أَحَدٌ مِّنْ

الْمُشْرِكِينَ اشْتَجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أُبْلِغَهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود) بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را به مأمن و منزلش برسان، زیرا که این مشرکان مردمی نادانند» (توبه، ۶).

امروزه جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور مقاومت، با استفاده از قدرت نرم خود در صدد جبهه سازی برای محور مقاومت است. یکی از مسائل مهمی که دشمنان ما به شدت از آن بیم دارند، قدرت نرم ایران در مناطق گوناگون دنیاست؛ بنابراین از روش رسانه تلاش می کنند در فضای بین الملل این مسئله را به عنوان یک تهدید معرفی کنند. ترس از قدرت نرم جبهه حق در خارج از مرزها در طول تاریخ یکی از مهم ترین دلالتی بوده که جبهه طاغوت را به فکر برنامه ریزی علیه آن واداشته است.

لازم است ایران برای افزایش قدرت نرم خود در جهان جهاد کند تا بدین روش بتواند در مقابل تهدیدات نرم دشمن در خارج از مرزهای جغرافیایی وارد عمل شود و همان گونه که امروز با مجاهدت نیروهای رزمنده در جبهه مقاومت خطر تهدید سخت را هزاران کیلومتر از مرزهای کشور دور کرده است، با همراهی نیروهای بین المللی خود در عرصه نرم، تهدیدات نرم دشمن به ویژه در فضای بین المللی را خنثی کند تا جمهوری اسلامی در این عرصه از حالت پدافندی، حالت افندی بگیرد و سقوط استکبار را سرعت ببخشد.

البته قرآن در تذکری درباره این رابطه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ يَتَّبِعُ لَكُمْ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ؛ ای مسلمانان با ایمان هیچ بیگانه ای را محرم اسرار خود نسازید و بر رازهای پنهانی خویش آگاه نکنید - زیرا - آنان از هیچ گونه فعالیتی برای سقوط شما کوتاهی نمی کنند. بیچارگی و نابودی شما آرزوی آنان است - دلیلش این است که - از لابلای سخنانشان کینه و دشمنی ظاهر شده - و مسلم است - کینه ای که در دل دارند بیشتر و بزرگتر است از آنچه ظاهر کرده اند. ما این آیات را - برای ارشاد شما - بیان کردیم اگر خردمندانه فکر کنید» (آل عمران، ۱۱۸).



مسلمانان در روابط خود با کفار و بیگانگان، حق ندارند چنان با آنها رابطه دوستی برقرار کنند که عزت اسلامی در معرض مخاطره قرار گیرد و نیز حق ندارند آنها را محرم اسرار خود قرار دهند؛ زیرا ممکن است با آگاهی از رازها و اسرار مسلمانان، راه تسلط و استعمار را بر جامعه اسلامی باز کنند.

قرآن کریم از روابط اقتصادی و فرهنگی با بیگانگان جلوگیری نکرده و هرگونه قرارداد مالی و علمی و بلکه پیمان‌های دیگری را که به نفع ملت باشد مجاز دانسته است، بلکه وفاداری به این پیمان‌ها را لازم شمرده و جزو تقوی دانسته است، ولی این تذکر را داده که مسلمانان نباید بیگانگان را محرم اسرار خود قرار دهند، چراکه ممکن است به قیمت هستی و موجودیت آنان تمام شود. نیز اسلام دستور داده است که از فکر افراد منافق که با بیگانگان سر و سری دارند استفاده نکنید و از آنان در امور سیاسی پیروی ننمایید، چون آنان دشمن داخلی و خانه‌زاد هستند و در لباس دوست کار دشمن را انجام می‌دهند و از پشت خنجر می‌زنند.

از این آیات یک اصل کلی و اساسی در چگونگی رابطه مسلمانان با غیرمسلمان استفاده می‌شود که نه تنها برای آن زمان که برای امروز و فردا نیز ثابت است، و آن اینکه مسلمانان موظفند در برابر هر گروه و جمعیت و هر کشوری که موضع خصمانه با آنها داشته باشند و ضد اسلام و مسلمان قیام کنند، یا دشمنان اسلام را یاری دهند، سرسختانه بایستند و هرگونه پیوند محبت و دوستی را با آنها قطع کنند. اما اگر آنها با اینکه کافر هستند، نسبت به اسلام و مسلمان بی‌طرف بمانند و یا تمایل داشته باشند، مسلمان می‌توانند با آنها رابطه دوستانه برقرار سازند، البته نه در آن حد که با برادران مسلمان دارند و نه در آن حد که موجب نفوذ آنها در میان مسلمان گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۳۴).

حکومت اسلامی ناچار است با همه ملت‌ها و دولت‌ها، رابطه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و هرگونه همبستگی که منافع ملت یا دفع ضرر یا هر دو را داشته باشد، برقرار کند. اسلام از حساس‌ترین رابطه یعنی رابطه سیاسی و عهد و پیمان جلوگیری نکرده، بلکه خود پیغمبر اکرم ﷺ چنین روابطی را برقرار کرده است، مانند پیمان‌های که پس از

ورد به مدینه با یهودیان منعقد کرد، ولی این رابطه نباید به استقلال سیاسی خدشه‌ای وارد نماید، زیرا با استقلال سیاسی و نبود تبعیت از بیگانگان، مملکت اسلامی می‌تواند روی پای خود بایستد و درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرد و می‌تواند تمام امکانات را در جهت منافع مسلمانان به کار گیرد. چنانچه رهبری سیاسی کشور اسلامی به دست بیگانگان باشد و سرنوشتش در خارج از مرزهای تعیین گردد، سرنوشت کشور اسلامی به همان راهی خواهد رفت که بیگانگان می‌خواهند و در این صورت فرهنگ و اقتصاد و صنعت و سایر مظاهر تمدن ملت باید در جهت منافع دیگران سیر کند نه در راه منافع مردم، از این جهت است که قرآن کریم درباره این مسئله خیلی حساس است و می‌گوید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خدا هرگز برای کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان ننهاده است» (نساء، ۱۴۱).

## ۲-۶. عزت طلبی

یکی از راهکارهای مقابله با چالش‌های مقاومت، عزت طلبی است. باید محور مقاومت با این روش بتواند در برابر چالش‌ها انزوا بایستد. اصل اساسی سیاست خارجی اسلامی، اصل عزت و اقتدار اسلام، ملت و حکومت اسلامی است. این اصل که از جهان‌بینی اسلامی نشأت گرفته است، هماهنگ با «نفی سییل»، «نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری» و راهبرد «نه شرقی، نه غربی» است. عزت، از کمالاتی است که مطلوب همگان می‌باشد. کسی را نمی‌توان یافت که خواهان عزت نباشد. عزت از لوازم مُلک و سلطنت است. آن که سلطان حقیقی تمام هستی است و چیزی از سلطه حقیقی او خارج نیست، در برابر اشیا و اشخاص نفوذناپذیر است و از کسی یا چیزی شکست نمی‌خورد. بنابراین، عزت حقیقی از آن ذات اقدس الهی است که هیچ‌گونه محدودیتی در اصل هستی و کمالات ندارد و تمام کمالاتی محدود و امدار او هستند. در نتیجه عزت و ذلت حقیقی دست خداست.

آیات قرآن کریم، عزت حقیقی و ذاتی را تنها در انحصار ذات اقدس الهی می‌داند: «أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ آیا نزد کافران عزت می‌طلبند؟ عزت همه نزد

خداست» (نساء، ۱۳۹)؛ «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ هر عزت و اقتداری مخصوص خداست» (یونس، ۶۵)؛ و «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ هر که طالب عزت است (بداند که همانا در ملک وجود) تمام عزت خاص خدا (و خداپرستان) است» (فاطر، ۱۰). سرّ این مسئله آن است که او مالک و مَلِک حقیقی نظام هستی است و همه مقهور قدرت اویند؛ همچنین قرآن کریم در بعضی آیات عزت را به غیر خداوند نسبت داده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ و حال آنکه عزّت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است» (منافقون، ۸).

این دو دسته آیات با هم تضادی ندارند، چون آیات دسته اول درباره عزّت ذاتی است، یعنی خداوند تعالی عزیز بالاصاله و منشأ عزّت مخلوقات است. آیات دسته دوم به عزت تبعی و عَرَضی نظر دارد و پیامبر و مؤمنان را عزیز بالتَّبَع می‌داند. بنابراین خداوند ذاتاً عزیز است، چون عزت یکی از فروع ملک است، و چون مالک حقیقی جز خدای تعالی کسی دیگر نیست، عزت خاص او می‌باشد و به هر کس که عزت ببخشد، عزیز می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۵). پیامبر و مؤمنان چون از این موهبت الهی بهره‌مند شدند، عزیز هستند؛ یعنی هر انسان مکلفی که درباره اولیای الهی تولّی کند، پروردگار عالم، لباس عزت را بر او می‌پوشاند.

بر این اساس، جریان مقاومت باید در پی کسب عزت حقیقی باشد؛ هرچند که در اثر فشار دشمن، در عرصه جهانی و منطقه‌ای، منزوی شده باشد. پیروزی نهایی در اثر عزت کسب می‌گردد. استقامت و پایداری در برابر فشارهای درونی و بیرونی، یکی از مهم‌ترین نتایج عزّت است؛ زیرا عزیز در برابر فشارها چنان استواری کرده و استحکام دارد که کسی نمی‌تواند بر او غلبه کند؛ بنابراین عزت‌مند واقعی، استوار در برابر فشار قرار می‌گیرد. جبهه مقاومت، وقتی به چنین مرحله‌ای از ایمان برسد، دارای اقتدار و استقامت بالایی خواهد بود و هیچ‌گونه تهدیدی او را به عقب‌نشینی از مواضع اصولی و ادار نمی‌کند.

### ۳-۶. تقویت درونی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جبهه‌سازی دشمن علیه جریان مقاومت،

تقویت درونی جبهه مقاومت است که در آیات قرآن بر آن تأکید گردیده است. عوامل گوناگون اعتقادی و رفتاری در تقویت درونی نقش دارند. بی‌گمان توحید و ایمان به آن مهم‌ترین عامل در سیاست مقاومت است؛ زیرا طبق آیات قرآن، کسی که به خدا ایمان دارد و او را در هستی، تنها مؤثر مطلق و محض می‌داند، در ایجاد مقتضی، به غنای الهی توجه می‌یابد و فقر خود را با غنای او جبران می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ اِی مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است» (فاطر، ۱۵)؛ همچنین طبق آیات قرآن، موانع را نیز با حمایت و امدادهای خداوندی از پیش‌رو برمی‌دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِذْ يَعْشِقُكُمُ اللَّعَّاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَبْنِيَتْ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ (یاد آرید) هنگامی که خواب راحت را بر شما فرو پوشاند برای اینکه از جانب او ایمنی یابید و از آسمان آبی می‌فرستاد که شما را به آن آب پاک گرداند و وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد و دل‌های شما را محکم و استوار گرداند و گام‌های شما را استوار بدارد» (انفال، ۱۱)؛ همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيَبْنِيَتْ أَقْدَامَكُمْ؛ اِی اهل ایمان، شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین و پیغمبر خدا را) خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند» (محمد، ۷).

بر این اساس، یکی از چالش‌های اصلی محور مقاومت در ارکان سیاسی و حکمرانی جامعه اسلامی، نبود باور به این اصل قرآنی است: «كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ؛ آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده است» (بقره، ۲۴۹).

قرآن کسانی را که اعتقاد به این آیات اعتقاد دارند، این‌گونه توصیف می‌کند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند: لشکری بسیار بر علیه شما مؤمنان فراهم شده، از آنان در اندیشه و بر حذر باشید، (این تبلیغات) بر

ایمانشان بیفزود و گفتند: تنها خدا ما را کفایت کند و او نیکو و کیل و کارسازی است» (آل عمران، ۷۳).

در این زمان، آمریکا و طرفداران آن به هیچ وجه جرأت اقدام نظامی علیه ایران به عنوان محور مقاومت را ندارند و اعزام نمایندگان آنها به ایران پس از ترور شهید سلیمانی و تهدید آنها به انتقام سخت، بیانگر این واقعیت است که آمریکا از هرگونه جنگ مستقیم با ایران، در هراس است. حمله به پایگاه عین الاسد و اقدامی که در طول ۷۵ سال پس از جنگ جهانی دوم هنوز هیچ کشوری به خود اجازه حمله مستقیم نظامی به آمریکا در این سطح را نداده است، بدون واکنش و اقدام نظامی از سوی آنها همراه بود که این مسئله نیز شاهدی دیگر بر ترس آمریکا در جنگ مستقیم نظامی با جمهوری اسلامی ایران است.

اما پرسشی که مطرح می‌شود، این است که چه چیزی مانع وقوع جنگ دشمنان قسم خورده با ما می‌شود؟ مقام معظم رهبری پاسخ این پرسش را قدرت نظامی و دفاعی ایران و قوی بودن دانستند. ایشان با تأکید بر لزوم قوی شدن کشور در همه جهات به‌ویژه در زمینه دفاعی گفتند: «ما به دنبال تهدید هیچ کشور و ملتی نیستیم، بلکه به دنبال حفظ امنیت کشور و جلوگیری از تهدید هستیم». رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اینکه ضعیف بودن، دشمن را تشویق به اقدام خواهد کرد، افزودند: «برای آنکه جنگ نشود و برای آنکه تهدید تمام شود، باید قوی شد» (خامنه‌ای، ۱۹/۱۱/۱۳۹۸).

#### ۴-۶. استقلال و سلطه‌ستیزی

عناصر و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت را می‌توان در دو دسته سلبی و ایجابی طبقه‌بندی کرد. مهم‌ترین محور در بُعد سلبی گفتمان مقاومت، استقلال و سلطه‌ستیزی قرار دارد. یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است. نفی تبعیض و خشونت ساختاری در نظام بین‌الملل، نفی توسعه‌طلبی و زیاده‌خواهی و تجاوزطلبی در روابط بین‌الملل نیز باز به بُعد سلبی گفتمان مقاومت برمی‌گردد. یکی از اصول اساسی در مکتب مقاومت، به منظور مقابله با استعمار، تأکید بر

«استقلال و سلطه‌ستیزی» می‌باشد. این اصل گاهی تحت عنوان «نه شرقی نه غربی» و در اصطلاح دینی به عنوان «نفی سبیل» مطرح می‌شود. در انقلاب اسلامی، دو شعار راهبردی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با الهام از نظریات امام خمینی، موجب رواج اندیشه تازه‌ای در ملت ایران شد. این نظریات که عمیقاً دینی بود، برآیند شخصیت مذهبی امام خمینی علیه السلام و ساختار عمیق دینی در تک تک ملت ایران بود و موجب خروج ایران از دایره بسته جهان دو قطبی و خیزش به سوی افق‌های تازه گردید؛ افق‌هایی که پایه‌های آن بر عزت ملی، منافع ملی، حقوق انسانی و احترام متقابل بر مبنای آموزه‌های اسلامی استوار شده بود. این روند، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز ترسیم می‌کند که به ایجاد یک جامعه اسلامی براساس اسلام ناب محمدی، تعارض با دشمنان بشریت، دفاع از مسلمانان و دفاع از نهضت‌های آزادی‌بخش منجر می‌شود.

خداوند در قرآن به این اصل اشاره کرده است: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَ يَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود)، مگر اینکه از آنها پرهیزید (و به سبب هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد، و بازگشت (شما) به سوی خداست» (آل عمران، ۲۸).

این آیه هنگامی نازل شد که روابطی میان برخی مسلمانان با مشرکان و یهود و نصاری وجود داشت و چون ادامه این ارتباط، برای مسلمان زاینبار بود، مسلمانان از این کار نهی شدند. این آیه درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد که هرگز بیگانگان را دوست و حامی و یار و یاور نگیرند و فریب سخنان جذاب و اظهار محبت‌های به ظاهر صمیمانه آنها را نخورند، زیرا ضربه‌های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان و با هدف واقع شده در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است.

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و خداوند سخن (یا آیین) کافران را پایین (مغلوب و شکست خورده) قرار داد و سخن خدا (یا آیین او) را بالا (پیروز و غالب) قرار داد. خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است» (توبه، ۴۰). این قسمت از آیه اعلام می‌کند که اراده خدا، برتر از هر اراده و خواسته‌ای است و نیروهای استکباری، در مقابل مؤمنانی که سکینه و اطمینان دارند، با همه توانمندی‌ها و امکاناتشان عاجزند و عِزّت و اعتلای کلمه الله و خنثی شدن توطئه‌های کفّار، ینمودی از عِزّت و حکمت خداوند است.

همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید» (آل عمران، ۱۳۹). این آیه پس از جنگ احد نازل شده و در حقیقت تجزیه و تحلیلی است بر نتایج جنگ احد و عوامل پیدایش آن به‌عنوان یک سرمشق بزرگ برای مسلمانان، و در ضمن وسیله‌ای است برای تسلی و دلداری و تقویت روحی آنها، زیرا جنگ احد بر اثر نافرمانی و نبود انضباط نظامی جمعی از سربازان اسلام، در پایان به شکست انجامید و جمعی از شخصیت‌ها و چهره‌های برجسته اسلام از جمله «حمزه» عموی پیامبر، در این میدان به شهادت رسید.

همان‌گونه که گفته شد در مورد نفی سبیل نیز در قرآن آمده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء، ۱۴۱)؛ براساس این آیه، مؤمنان حتی پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و سلطه‌پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است. مؤمنان باید کاری کنند که کفّار از سلطه بر آنان برای همیشه مأیوس باشند.

### نتیجه‌گیری

از آنچه که در تبیین چالش‌های سیاسی پیش‌روی مقاومت در عرصه خارجی به دست می‌آید، هدف نهایی دشمن از ایجاد این چالش‌ها استعمار است. دشمن در عرصه خارجی در پی تسلط استعمار بر کشور است. قرآن در برابر این هدف دشمن دستور

به مقاومت داده است. در تفکر و اندیشه اسلامی مقابله با استعمار نیاز به استقامت دارد و خدا خطاب به پیامبر ﷺ و مؤمنانی که از ایشان تبعیت می کنند تأکید بر مقاومت کرده و آن را وظیفه امت اسلامی می داند و خداوند خود را گواه و ناظر بر این موضوع می داند.

بر این اساس در مقابل چالش های سیاسی گوناگون در عرصه خارجی، راهکارهای قرآنی مطرح می گردد که در این تحقیق تلاش شده است راهکارهای متناظر با هر چالش مطرح گردد که در نمودار ذیل قابل نمایش است.



نهضت مقاومت اسلامی شاید تا دستیابی به اهداف بلند مدت خود که همان نفی کامل استعمار، و تحقق استقلال و توسعه کشورهای اسلامی است، فاصله زیادی داشته باشد، ولی بخشی از این اهداف که شامل طرد سلطه دولت های مستبد و به زیر کشیدن دولت های دست نشانده بوده، تا حدودی محقق شده، اگرچه تحقق آنها زمان بر، پرهزینه و دردسرساز است و جبهه مقابل نیز دست روی دست نمی گذارد تا شاهد این تحولات و حرکات باشد و با انواع برنامه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با نهضت مقاومت



مقابله کرده و با استفاده از رسانه‌های تبلیغی تلاش می‌کند تا موتور محرکه این نهضت را متوقف یا انگیزه و اراده طرفداران آن را سلب کند؛ بنابراین همواره باید با چشمانی باز حرکت دشمن را در ایجاد چالش رصد و شناسایی کرد و راهکارهای مقابله با آن را به کار بست که به طور یقین بهترین راهکارها در منابع دینی و به ویژه قرآن کریم تبیین کرده است.



## فهرست منابع

- \* قرآن کریم.  
\* نهج البلاغه.
۱. آجرلو، حسن. (۱۳۹۸). واکاوی تحولات جدید طرح معامله قرن و مخاطرات احتمالی آن برای محور مقاومت. مجله امنیت بین الملل، شماره ۶، صص ۵۱-۶۰.
  ۲. آرمین، محسن؛ رازقی، حجت. (۱۳۷۸). بیم‌ها و امیدها. تهران: همشهری.
  ۳. باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۱). فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
  ۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۷/۰۳/۱۴). بیانات مقام معظم رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. B2n.ir/u49877
  ۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۱/۱۹). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. B2n.ir/g02813
  ۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تفسیر تسنیم (چاپ پنجم). قم: اسراء.
  ۷. ذوعلم، علی. (۱۳۸۴). تاملی در مفهوم «چالش» و واژه «چالش» در ادبیات اجتماعی - فرهنگی ایران. زمانه، ۴(۳۶)، ص ۸۵.
  ۸. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (محقق: صفوان عدنان داودی). بیروت: دارالعلم.
  ۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۵ و ۱۴، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۰. فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی چالش‌ها و بحران‌ها. قم: دفتر نشر معارف.
  ۱۱. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. (۱۳۷۷). مجموعه مقالات تحقیق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱۲. دبیرخانه دین پژوهان کشور. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (ج ۲). قم: دبیرخانه دین پژوهان کشور.
۱۳. معادی، حمید. (۱۳۸۱). بحران‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج ۲۴). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. والیزاده، اسماعیل. (۱۳۸۸). تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن. ماهنامه معارف، شماره ۶۹، صص ۸-۱۳.



## References

\* Holy Quran

\*\* Nahj-al-Balagha

1. Ajourloo, H. (1398 AP). Exploring the recent developments of the Deal of the Century and its potential risks for the Resistance Axis. *International Security*, 6, pp. 51-60. [In Persian]
2. Armin, M., & Razeqi, H. (1378 AP). *Fears and hopes*. Tehran: Hamshahri. [In Persian]
3. Bateni, M. R. (1371 AP). *Contemporary English-Persian dictionary*. Tehran: Farhang Moaser. [In Persian]
4. Forati, A. (1381 AP). *Islamic Revolution: Challenges and crises*. Qom: Office of Publishing Knowledge. [In Persian]
5. Javadi Amoli, A. (1389 AP). *Interpretation of Tasnim* (5<sup>th</sup> ed.). Qom: Asra. [In Persian]
6. Khamenei, S. A. (2008, March 14). *Statements of the Supreme Leader in the 19th anniversary of the demise of Imam Khomeini*. Retrieved from the Official Website of the Supreme Leader: B2n.ir/u49877. [In Persian]
7. Khamenei, S. A. (2019, November 19). *Statements of the Supreme Leader in the meeting with the commanders and staff of the Air Force of the Army*. Retrieved from the Official Website of the Supreme Leader: B2n.ir/g02813. [In Persian]
8. Ma'adi, H. (1381 AP). *Crises between Iran and the United States after the victory of the Islamic Revolution of Iran*. Tehran: Center for the Documentation of the Islamic Revolution. [In Persian]
9. Makarem Shirazi, N. (1374 AP). *Tafsir-e-Nemouneh* (Vol. 24). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
10. Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution. (1377 AP). *Collection of articles on the realization of civil society in the Islamic Revolution of Iran*. Tehran: Publications of the Organization of Cultural Documents of the Islamic Revolution. [In Persian]

11. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Al-Mufredat fi Ghareeb Al-Quran* (S. Adnan Davoudi, Ed.). Beirut: Dar al-Ilm. [In Arabic]
12. Secretariat of Religious Scholars of the Country. (1380 AP). *Collection of articles on the interaction of religion and culture in Iranian society* (Vol. 2). Qom: Secretariat of Religious Scholars of the Country. [In Persian]
13. Tabatabai, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (5<sup>th</sup> ed., Vols. 5 & 14). Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
14. Valizadeh, I. (1388 AP). Cultural invasion and ways to confront it. *Ma'arif*, (69), pp. 8-13. [In Persian]
15. Zouelm, A. (1384 AP). Reflection on the concept of "challenge" and the word "challenge" in Iranian social-cultural literature. *Zamaneh*, 4(36), p. 85. [In Persian]

